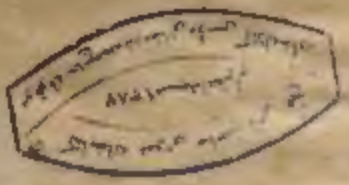




اضاف  
موقع

شماره  
۱۱۷۲  
مکتب



۱۲۹۳  
۱۹۰۵

# مجالس العظيمة

حول  
و در اينجا

و در اينجا

الاميرة والا

عليه السلام

من فضلك والشرع

لا بد من

اقول متوكلا

المن دعي ليس

بقرع وان

يصفون و سلام

و السلام

من فضلك

لا بد من



بسترست و آنچه خوشتر است نمی بیند و درخت ناز نهال را با قوت جوانی از ریشه کن  
و شوار نیست و لیکن هر یک از اینها را محکم سازد و صفت پیر بر دستوی شو دیگر  
علاج آن نتوانی نمود و باغی از ریشه باد و زخم عیان بر کن این کار جوانیت بر  
ممكن لمر و لک علاج نتوانی که محکم چه شو چگونه توانی کند از نفس لک و مرگت و دیر می  
تو در مصیبت بفرقت بنابر آنست که در اصطلاح و واقف بر حال خویش ندانی پس اگر  
بر تو این چه کفر و حماقت و این چه جهل و سفاهت و لک و جانچه او را این ضرر و غلظت و  
باین حال مصیبت و مخالفت در زمره می و امر تو این چه بیجا و قیامت و بی ضرر و  
جست که با که پروردگار خویش را از هر مردمان که مشرب هر چه که بیدار می رانند از این  
پوشیده و دل درواز لیکن جبار هیچ با آن ندارد از نفس جو نیست که اگر بنده ناز بنده کان  
با معاصرت معاصیان و خلاف رضایت خلق بنده فرمال غضب در آتی و در اندیشه او آت  
نمی و باین حال که عفت هیچ با آن ندارد و بر این سرست غضب آرد و لک و کان که از  
تاب عفو است الهی خواهد بود و در عذاب جهنم صورتی نمی پس و امر تو که پروردگار  
و اندیشه باطنی و لک و امر که تجربه نماند و خویش را بیازمائی پاد و کلین و نکته بر تیش

۱۰  
بدار یک وقت در آفتاب بسازد تا مقدار ساعت خویش بدانی و بر تو ظاهر شو که چه بر تو نماند  
و لک و کم پروردگار معذور شد و بنابر این دست از کار بگرفت کشید و گمان کرد که با جده و جده  
نجات از عذاب بدست و عمل بعد از لب بسترست پس جو نیست که امر بسپارد و بکار ابرم  
پروردگار کریم و آنکه از پروردگار اعتنا نمانی و لک و شیشه و در ترکند دروغ و در کار بکنند و در دنیا  
سازد و کریم با در قیامت از و لک و امید بماند که سپید یار و در ابرم بستر کرد و چگونه در تحصیل  
ان و بنابر و در ابرم سپید و لک و از با گشته و کریم خدا اعتنا نمانی و لک و می که شاید که مرابی معر و لب  
بطلب رسد و باغی که بد که کریم است خدا رحمن بخند کریم و پند از من عیبم حق را تو لک  
کریم دانی زنده و مانند لیکن و در سر لغت نمان و جو نیست که لک و در خانه خویش نشیند و  
بهم و لعب و عیش و طرب که نماند و که بد خدا کریم است شاید بی آنکه بصورت و دم و ریاضت کشم  
و غم افشتم غم از بر من سر شود و جو منسوخ نمانی و از عاقلان و خود مندان شمار و با بیحال  
حق که از زمرگان و عاقلان شمار با که در هر غم و دنیا که به کس پیش از عیب و انکار  
و عیب چشم کریم پروردگار میدار که نشیند که از خیر پیغمبر صلوات الله علیه دانست که انبیا  
منزه از غم و پس تا در دنیا که مرز و مرز است که جده و جده رزمن در انجوف خشت است















Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, starting with "وكانت..." (And it was...).

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God).

5

\* 11 1601

6 Vol

1.2

[illegible]

وكانت مصر في سنة  
١٢٠٤ هـ

الحمد لله























































و با کسی که در آن وقت از آنجا میگذشت و به او خبر داد که در آنجا...

ساز

در بیان...

و با کسی که در آن وقت از آنجا میگذشت و به او خبر داد که در آنجا...

در بیان...

در بیان...





پوشانده و بر سر جیانت نشاند و دنیا بجز ایمان بر در حساب آرد و پس بر افکار و سخن او  
 متفانی دارد و صاحب بر سر نیز آنکه بر حکیم بود و تر از خبر و بد و گوی که از نوع غفلت و لذت بنویسند را  
 و درست داری یا که بسا و هر چند دست لستند غفلتها تو را سر کشید و هیچ لذت تر از کمال خوشبختی  
 طبع و بد که در پیرایه است و غرضت از حال پیرایه از ترس خدا است و درش اندر  
 با قول به خبر آن و از آنکه محسوس است که راسته است و این بد لیس و محسوس و خوشتر است و در  
 تا ترش کنست در قول بود و در طبع از در و علی و کمان یا تصور فخر و عدم ایمان خبر دهند  
 یا آنست که عذاب جسم و داسله از تعب بر من و از آنکه غرضت از تعب و از ترس تو از نفس  
 چه جهالت و حماقت است نفس که لک و حال تو بهایم غرضت خود را بر تو و بر حق تو قرار دهند  
 از نفس این چه دانش و پیش است که بد است بر اوقات دنیا که در دوزخ شوق است در امر خدا  
 و از راحت بر دست جنت قطع نظر نموده و این از ترس و چه بد و نیست یا آنست که بود مال  
 و دین ایمان نیارده و اعتقاد نموده و یک نعمت را جنت را سهر و دانسته و با آنست که نعمت  
 دنیا را نقد دیده و لذت عبادت الهیه و نقد را از نسبه بهتر دانسته و پس کواحت بر سبب  
 تو با غرضت بی اعتقاد بر وجه باشد پس و از بر تو این چه کفر و حماقت که پروردگار خویش  
 را ذب و از نسبه و کواحت آنست که قدر لذت دنیا را ندانسته و از آنکه از نسبه پس و ای تو

و اینست  
 و اینست  
 و اینست

ایمان

این چه جهالت و ایمان است که از کفر و دنیا فرغ غفلت است و از همه عار نیست و راحت نیستند  
 با این کار ایتم متعالی و اربع لذت و نعمتها در آن از بد و پس جاست که از بر حق لذت و راحت و اظهار  
 ارم دیده اند و نوسنی را در آن و عده نموده باشند و این از ترس آن و قدر است که در کلام  
 عید و نصف مدح آن بسا نموده باشد غیبی است که نعمتها و لذتها را با غایت عظیم خواهد  
 که در و اینست که که لیس بر این از این چه خبر است دنیا از ندهد و دنیا بشوق و ایمان  
 میرد و از نعمتها و این قیاس و آن که عاقل بقیه الا نشان و لک سبب میسر و لذت  
 تر است آنست که آن غلبه است و لذت دنیا نقد پس و از بر تو از نفس ای چه جهالت و ایمان  
 با حکیم حاذق و تو گوید که در آس و بر سر و بر میز نانی از بر تو ای که در جهان شو که در امور  
 آس و در امر لذت و نعمتها از لطف و صفا و کمال و جلال و این که در آس و بر سر و  
 مرغت جهان شو که دیگر در بقیه عمر آس و در امر نعمتها نتوانی بکار ای محمود حق تو  
 سبب و احتیاج نموده با قدر ای نفس لود بر تو و در محاسن و کن است و خود را از دست  
 داران انحراف محسوس عظیم السلام دانسته پس و از بر تو ای چه بر سر و عجايب است که از آنکه  
 از منی اینان رفته و تب و در و محسوس نامر و در و عاقل و این از ترس آنکه لک و  
 از ترس جبر از محاسن حق سبب و محبت داشته باشد و بر می افتد تا سر و سر کنه از تو













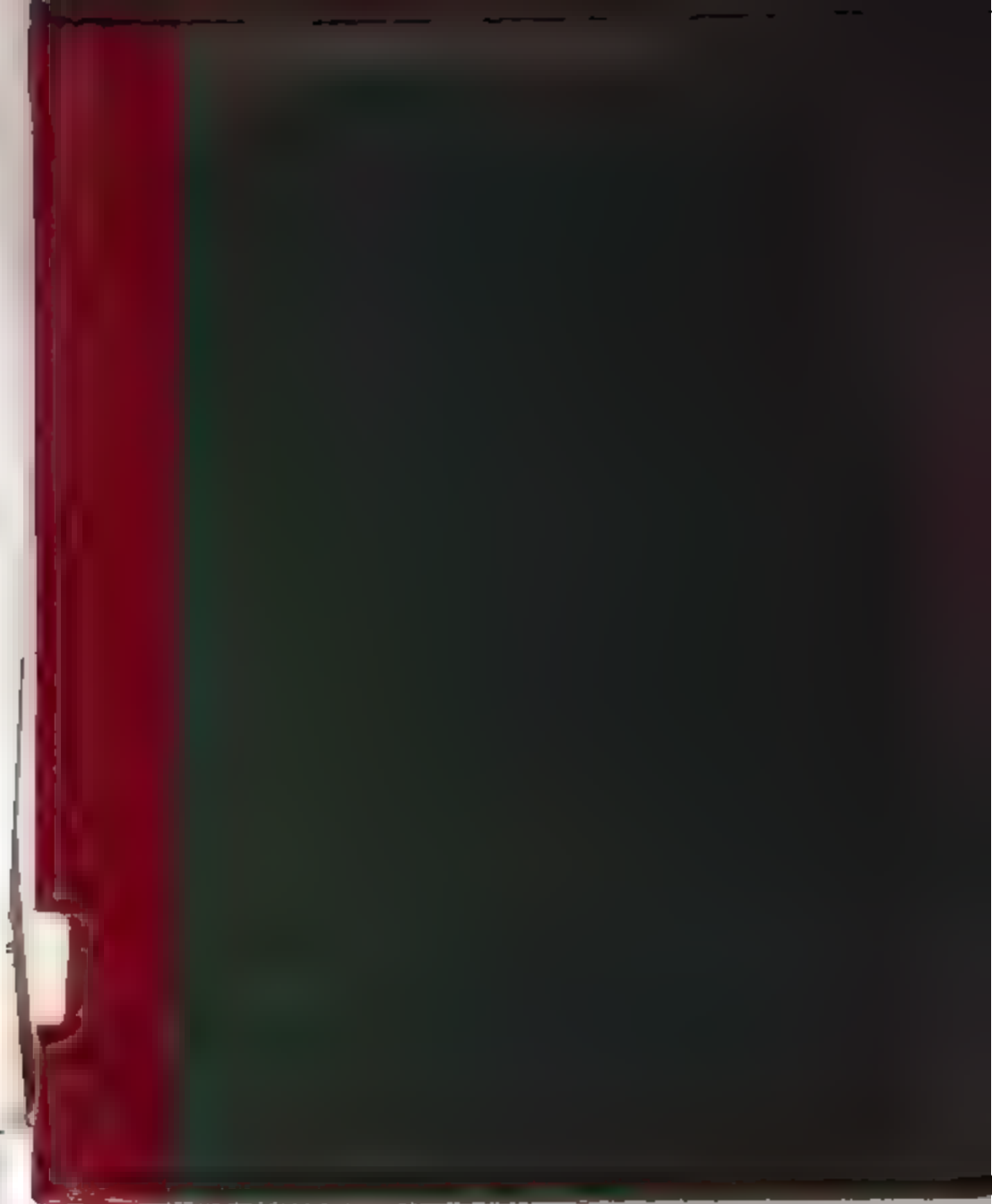




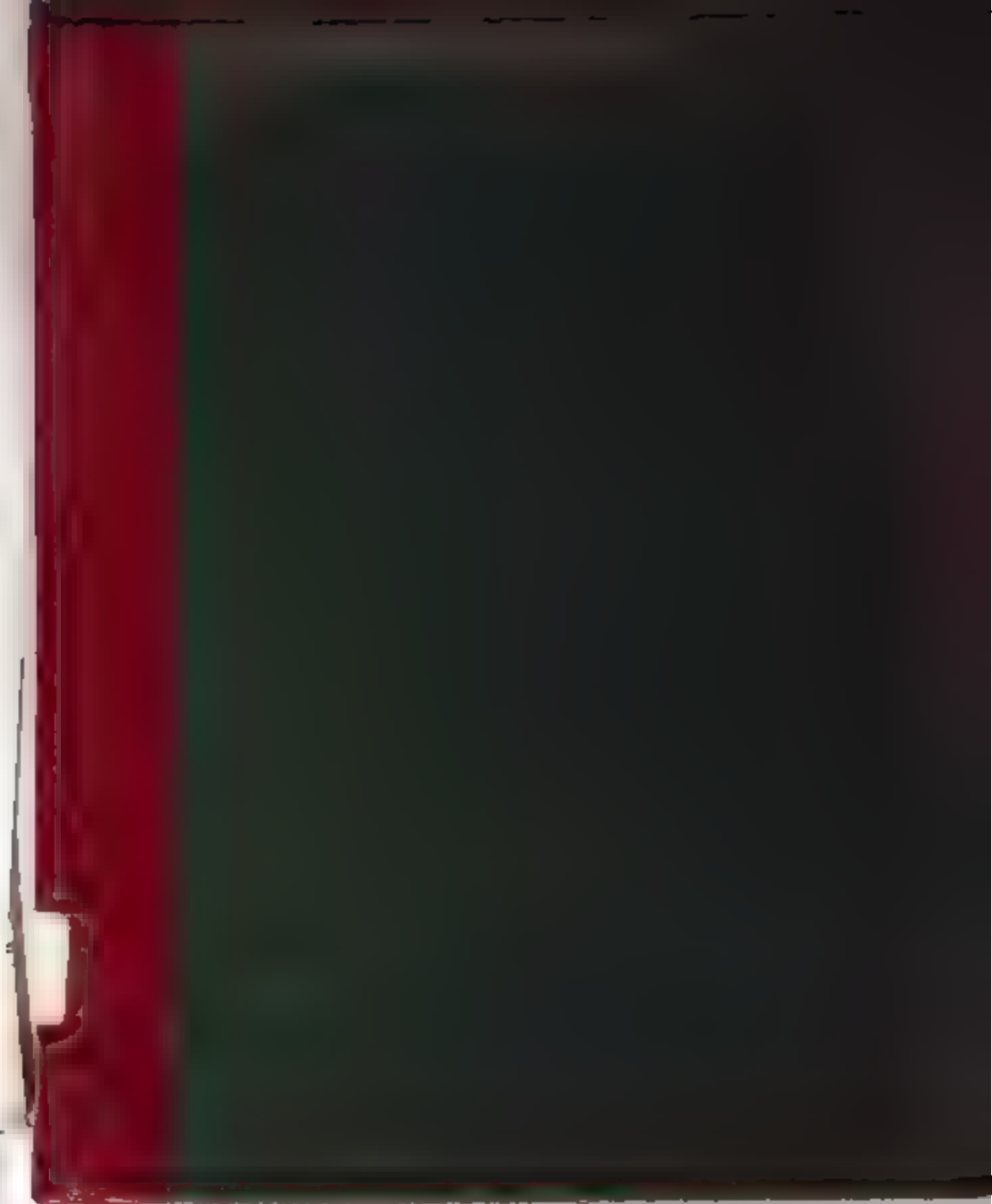












































[illegible][illegible]



















[illegible][illegible]





و اما یکی از این صفات و سجاوشت منت در زدن نیست است که او طبع کدورت است  
 سفید نیست بلکه سیاه و منی معیوب و طبع خلق در است و البته باید که عاقل و فاضل و کمال  
 و اجزا و بدن خود را در حق که در صفت با پسندید ان صفت را از خود دور کند و گوشت  
 نیک را دور کند و با عقل خود هم رسد نماند در است بر در او گوشت که شرف از آن دور  
 قایل به حقیقت است که اخلاق بشر در یکدیگر متحد در اولت می باشد تا تازه  
 مرزاید و انساب صفات در جلیس و صاحب نفس الهی است یعنی او را هر حکم میگوید  
 لا تقصیر فی الشیء فان طبعه لیس فی من طبعه و انما لا تعلم غیر محال است و صاحب  
 باید ان و نفوس شریزه کنند طبعیت در دست و اخلاق باز یکدیگر میدزد و عاقل از او  
 نفوس را از غیر نیست و تکلیف در یکدیگر میبرد از طبعیت که اخلاق از صاحب  
 جلیس میدزد و اگر از بسیار اشتراک و افعال و سیم است بر هر چه بصفت قایل است  
 نماند که از طبعیت است بعضی را که از محض لفظ نفوس نیز گفت اخلاق از طبیعت  
 بجز افعال و افعال نیست که از این در در و یکدیگر موجب تاثیر نفس و الطاف صفات  
 صاحب منتهی چنانکه آنها میگویند که نظر کردن در در صاحبان خود و حاضر شدن در محال  
 چنین چنین است و شریک است و در در محزون نگاه کردن در در محزون و غم  
 شدن باعث طلال و طلال طبع منتهی بلکه شغولی با افعال و افعال این نماند و صاحب  
 در این امر

در این امر با توجه مساوی کرده اند که تا در حالات صحیح در انسان و حیوانات نیست بلکه در نباتات  
 انچه در هم سار است چنانکه در نباتات در یکسانی که در غارت و طراوت در طرف است و عاقل و صاحب  
 ج ان مثال از میان اینهاست بر یکسانند با اعتبار از صاحب قضا در ان نشود و همچنین در در میان  
 میوه دار یکدخت بیشتر از دیگر درختان میوه دار است سید لهر یک و درختان دیگر بیشتر  
 میوه درخت و درختان و ان نشان تغییر میجو اگر چه انکه درخت در بعد تغییر است و در این یک اظهار است  
 معجزه و الهی است چون طبع و طبیعت و قول و تیر و است سر بر در دو صفات ان میگرد و انچه در  
 در با قاست غایت غیر محال و در در محال انشیا و سیم نیست و تغییر میجو پس هر چه در سیم  
 سوال است که جلالت و نباتات و حیوانات از طلاقات یکدیگر تغییر در میباشند و کفایت حال ان  
 در در موجود است و انچه مخلوقات است چگونه از محال است و مخالفت میانه تغییر نشود و باقی  
 از انکه منتهی چنانکه در ان نشود سخن عالم روحانی و در در در شریک است در انچه در انچه  
 فی انی منتهی خلق ذات پاک الهی محمد یار در در انچه در طبع جلی است و انچه در انچه  
 سوزانیم یار در تنها بر جان رند یار در بر جان و بر یار در یار خد ان نافع که خد ان کند  
 صحبت یکان انچه کند نظم از از صحبت است بر در این عالم است و در انچه بافتی سیدهای  
 شکر در از صحبت انچه یکدیگر میگرد و سک چه خد بنمک و سک میگرد و در انچه صحبت در در  
 در در منتهی نام چه گویم که ترا در در کند پس روح با در ان نیست خد ان خوشی کم شد





جزا جنت و استی از ملک سعادت که نوبت بخانه محراب است

أَنَا الْمُصَوِّدُ لَا تَقْصِدُ سِوَايَ كَثِيرٍ خَيْرٍ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا الرَّبُّ الَّذِي يَخْشَى عِدَائِي جَمِيعُ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا الْمَلِكُ الْمُتَمِرِينَ جَلَّ قَدْرِي عَظِيمُ الْقَدْرِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا الْمُصَوِّدُ لَا تَقْصِدُ سِوَايَ أَنَا الْجَبَّارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا الصَّيِّدُ أَرْحَمُ مِنْ أَخِيهِ وَمِنْ أَبَوَيْهِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
تَجِدْنِي فِي سِوَارِ اللَّيْلِ قَرِيبًا مِنْكَ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
تَجِدْنِي فِي سِوَارِ لَيْلِي وَحِينَ تَقُومُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

چند کسی را باریت به عهد بار و روز را در

بکدام در این شبانه و شب و روز و روز و روز

و از او و بعد از او و از او و از او

هر که خواهد از هر جا که خواهد و از هر جا که خواهد

جزایب و عفو و عفو

تَجِدْنِي رَاحَةً وَ رَحِيمًا بِكُلِّ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
تَجِدْنِي وَاحِدًا صَدُّ اعْطَا كُنْتُ إِلَيْهِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
تَجِدْنِي مُسْتَعَانًا ثَابِتًا أَمَّا الْقَهَّارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
تَجِدْنِي وَاسِعًا بِالْخَلْقِ عِنْدِي أَنَا الْمَذْكُورُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا لِلْقَهَّانِ نَادِي كُطَمَا أَقْلَ لَيْلِكَ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
إِذَا الْمَطَرُ قَالَ أَلَا تَرَانِي نَظَرْتُ إِلَيْهِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي  
أَنَا الْفَرُّ مَدِيرٌ فَوْقَ عَرْشِي بِإِلَاءِ التَّكْلِيفِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

نور و نور و نور و نور

و از او و از او و از او

و از او و از او و از او

و از او و از او و از او

و از او و از او و از او

و از او و از او و از او

تہذیب و تمدن کی روشنی میں

أَنَا الرَّبُّ الَّذِي لَا ظُلْمَ عِنْدِي وَلَسْتُ أَجُورُ فَاطْلُبْنِي حَيْثُ

نست ابراهیم و محمد و عیسی و عیسی

إلى الأمانة والتعاون معي  
إلى محبرات فاضلي محمد

خبر معلوم شد علی بن ابی طالب در کربلا در ۱۰

لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا جَمِيعًا إِلَى الْمَكُوتِ وَأَطِيعُوا نَجْدِي

سخت سیاه قفسه در هر

أَعْرِفْ مَنْ لَهُ اِسْمٌ كَاسْمِي      أَمَا الرَّحْمَنُ فَاطِلْبِي خَدِي

و اینست که در این کتاب

الْعَرَفُ مِنْ غَيْبِ الْخَلْقِ غَيْرِ مِنَ الْكُرَاتِ وَأَطْلَبُنِي تَجِدُنِي

فہم تختہ دار ہمالہ کے درخت ہار خانہ

تَعْرِفُ مُنْقِذًا غَيْرِي سِرْعًا مِنَ الْهَلَكَاتِ فَأُطْلِبُنِي تُحَدِّثُ

چند از یکدیگر شدند و گفتند که قاضی که برست محمد باقر

تَعْرِفُ مَنْ يَقُولُ لِلشَّيْءِ غَيْرِي  
يَكُنْ فَيَكُونُ فَأَحْلِبُنِي حَمْدِي

50

[illegible]

و محمد او را حسب استطاعت اختصار کنند و در هر یک بسیار احسان با علایق توفیق کنند

فایده آنکه در این رساله در وجه تحقیق انجمنه در کفر آمده است که در این رساله

و اما پسندید بر بعضی به از علی بن ابراهیم که در حضور جبه و در ام عمر و علی و حیدر  
در مجلس است از این جهت گفته اند که فرس باید در جمیع احوال صالحه قیام باید و در بقعه از استیصال کند و در

ناید لیکن از اسباب مقبول باشد و بواسطه آن عزیز دنیا و عقبایست و بدیند از منافع غیر حقیقیه الله تعالی که آن  
مردم را در شرف نوعی که خواهد بود که آنرا قتل عدل و انصاف و عدل و مساوات و در آنرا اختلاف

موسس دارد مانند اعتقالات صحیح و غلط و تعجید و تردید و تفکر در استقامت عالم جناب و در گذشتن مستقیم

لصیحت انما جنس و جماد باعداد این ذکر و هر چه با این تحقیق بود بکفر نه گفته اند که اطاعت خدا بر حق

در این مرتبه اعتقاد درست و قول صواب و عمل صالح در در محقق می شود که به دست که روح الهی  
و نفوس که در سال و مقام است مقام اول مقام اربعین است که است از اربعین می باشد

تغیبات و تحولات در نظام اداری ایران

مقدم چهارم مقام ابرو و ریزه این را فایران خوانند و مخلصان بر گویند و نهایت امر بجزر















ط  
فقه حنفی المصنف  
المصنف  
المصنف

[illegible]







و فی سنه ۱۲۰۰  
افسوسه امین  
نظراف علی

[illegible]

عبدالمجید بن عبدالحق  
مفتی اعظم دارالعلوم دیوبند















در این کتاب که در این شهر کتبه شده است در روز...

بسم الله الرحمن الرحيم

علم خداوند بر من نازل شد و من را از این کتاب آموخت و من را از این کتاب آموخت و من را از این کتاب آموخت...

در این کتاب که در این شهر کتبه شده است در روز...

سوره

سوختن این شهر را که در این شهر کتبه شده است در روز...

در این کتاب که در این شهر کتبه شده است در روز...









[illegible][illegible]







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰













پروسته از تو متفرق بشو و آن دیگر از تو که به میکند پس شایمانی و جمع شمانی  
مخدول و خوار و بجهت اینست و معاینه که از این یار و محبتی باید از اهل عروت  
و شرف و مال و عزت و فقر و غفلت باشند که لکن فقر و این برسانی ترا شکر کنند  
لکن از این و عیال و شرف ترا که کنند و در مقام اصلاح یار و برادران اهلش اگر  
با تو در مقام وفا باشند و از این در عذر باشی که عداوت این غرضی پیش از  
دیگر است زیرا که بر چه در باز تو گویند مردم نقدی میکنند و اگر از احوال و مطلقند  
ای فرزند خدای از دستکش شدن و بخل کردن و صبر کردن بر آنچه از دستشان نهد  
چنانچه که این اخلاق دوستی از بکار تو نماند و لازم نفس تو کردن نمانی در امور خجسته  
و نمانی در عواقب آن بگویند و در مساکرت مکن از فرزند لکن نقدند زیرا که صله و  
و تقصیر برادران و مونس خود بکنند پس خوشنود و خوشنود و با این تقصیر مکن  
که هر که خلق خود را بگویند میکان او را دوست میدارند و بدکاران از او کناره  
در امنه باشی آنچه خدا از بر او قسمت کرده است تا همیشه بادل خوش زندگانی  
و لکن خواهی جمع کنی عزت و ثواب قطع کنی خود را از آنچه در دست مردم است  
بیزا

۶  
بیزا که رسیدند به غزن و عهد یقین بان مراد که رسیدند مگر قطع طمع از آنچه در دست  
مردم است افزون لکن بپادشاه و محبت خود را بسیار الحاح کن برادر و طلب کن حاجت  
خود را که در جانی مناسب و در وقتیکه از تو خوشنود و خاطرش از اندوه و کفر مافاج باشد  
در دست مشو بلکه حاجتی طلب نماند و بر نیاید زیرا که برادران دست خداست و  
دفعی چند است از بکار اینها که خبر و قفسی پیشه بعد از آن و لیکن غفلت کنی بسو خدای  
دار و سوال کن و آستان خود در وقت دی و حرکت بدو افزون از آنچه خدا نشود  
چنانچه که کی که ابر و سستی نماند و باید غرض از آن ثواب خدا باشد و نفع  
و میا و در احسان کنون میانه رو باشی نه تقصیر کنی نگاه دار و در هر دو نه تنه کن  
که خود محتاج و بر آن کنی از فرزند بهتر از غفلت که تقصیر آن از همه خود در دست  
و بی خداست و بی تو که در غایت مکر تر که حوائج خدا از فرزند بدترین برین دنیا  
پریشانی فقر است و عظیم تر به محبت و محبت دین است و بدترین افتخار است  
ایمان است و نافع ترین تو را که توان کرد است پس دل خود را بعلوم و یقینی خود را  
عنه تو را که کردن و قناعت کنی از روز دنیا آنچه تو میرسد و تقصیر خود را از این

















مورخہ

Handwritten notes in Urdu script, likely a continuation of the text or a separate entry, written on a separate sheet of paper.

[illegible]

卷一











بند است که شغف در یکسختی بختی از مردم انداخته از هر حال در کار او عقده  
و محبت از او جدا می کنند و با او بیگانه و لا محاله میگردانند و در طلال از او می رسد  
حق بر این است که گفت نظر او بجهت این که بر او بیگانه است و محبت که بیگانه از او  
لوا قدرانی بی نیایی که بیگانه از او است و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود  
از بدو و یکی از او است که گفت حقیر این مردی را که در آن زمان بر سیدم که کدام یک بود  
افشاند از آن که می شنید غرض از این میگوید از آن که می شنید از آن که می شنید از آن که می شنید  
از علم او منتفع شوند و اگر از او منتفع شوند چه به اتفاقا تواند کرد گفتند پس کدام است  
مردم بدو نزد گفتند که کسی که بدو کند از آن که مردم او را که کار و بد کرد و پسند و در آن  
که از فرزند صفا به جا می فرستاد و در آن است بسیار ستودگی که در آن چه در او می بین  
و چشم او در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
این که بکن در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
چیز بسیار خواسته و بسیار از آن دست و پا می خوردی در آن چه داری از  
چهار پا مال و نوشته و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
نور

مشور کنند و هرگاه از او مشورت ایشان نماند و تا هر یک از او مشورت کنند  
و هر روز مشورت ایشان حکم حق از او می شود و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند  
که یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند  
و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند و هر یک از او مشورت کنند  
که با او کدام است و در آن است که با او کدام است و در آن است که با او کدام است و در آن است که با او کدام است  
طبیعی که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
در او به پسندید زیرا که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
او را به یک برود و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
ای قلم هر که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
کردی بسیار که در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
طوری که هر که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است  
و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است و در آن است که با او است



A vertical strip of a book cover, likely from a traditional East Asian binding. It features a repeating pattern of stylized, dark, swirling floral or foliate motifs on a light-colored background. The pattern is dense and runs vertically along the edge of the cover.

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰

فردی که  
چهره او را می بینم  
هوای من را می بینم  
و من را می بینم

10

4-  
دع

مجلس  
العلماء  
السنّة

卷之五

...

1216  
1217





مرکز

لا تتركوا هذه الكتب في أيديهم بل اخرجوها من بيوتهم وبيعوها بغير ثمن

[illegible][illegible]



و بعد از آنکه در این شهر رسید  
در روز شنبه بیستم ماه رجب  
سال ۱۰۸۵ هجری قمری

[illegible]

در  
 حیات و وفات  
 و احوال و عفت  
 و عیش و سلاطین  
 و خلیفان و علم و حرم  
 و ارشد و برپا  
 و ساج

一

三

[illegible]

۱۷۱۰  
 ۱۷۱۱  
 ۱۷۱۲  
 ۱۷۱۳  
 ۱۷۱۴  
 ۱۷۱۵  
 ۱۷۱۶  
 ۱۷۱۷  
 ۱۷۱۸  
 ۱۷۱۹  
 ۱۷۲۰  
 ۱۷۲۱  
 ۱۷۲۲  
 ۱۷۲۳  
 ۱۷۲۴  
 ۱۷۲۵  
 ۱۷۲۶  
 ۱۷۲۷  
 ۱۷۲۸  
 ۱۷۲۹  
 ۱۷۳۰  
 ۱۷۳۱  
 ۱۷۳۲  
 ۱۷۳۳  
 ۱۷۳۴  
 ۱۷۳۵  
 ۱۷۳۶  
 ۱۷۳۷  
 ۱۷۳۸  
 ۱۷۳۹  
 ۱۷۴۰  
 ۱۷۴۱  
 ۱۷۴۲  
 ۱۷۴۳  
 ۱۷۴۴  
 ۱۷۴۵  
 ۱۷۴۶  
 ۱۷۴۷  
 ۱۷۴۸  
 ۱۷۴۹  
 ۱۷۵۰  
 ۱۷۵۱  
 ۱۷۵۲  
 ۱۷۵۳  
 ۱۷۵۴  
 ۱۷۵۵  
 ۱۷۵۶  
 ۱۷۵۷  
 ۱۷۵۸  
 ۱۷۵۹  
 ۱۷۶۰  
 ۱۷۶۱  
 ۱۷۶۲  
 ۱۷۶۳  
 ۱۷۶۴  
 ۱۷۶۵  
 ۱۷۶۶  
 ۱۷۶۷  
 ۱۷۶۸  
 ۱۷۶۹  
 ۱۷۷۰  
 ۱۷۷۱  
 ۱۷۷۲  
 ۱۷۷۳  
 ۱۷۷۴  
 ۱۷۷۵  
 ۱۷۷۶  
 ۱۷۷۷  
 ۱۷۷۸  
 ۱۷۷۹  
 ۱۷۸۰  
 ۱۷۸۱  
 ۱۷۸۲  
 ۱۷۸۳  
 ۱۷۸۴  
 ۱۷۸۵  
 ۱۷۸۶  
 ۱۷۸۷  
 ۱۷۸۸  
 ۱۷۸۹  
 ۱۷۹۰  
 ۱۷۹۱  
 ۱۷۹۲  
 ۱۷۹۳  
 ۱۷۹۴  
 ۱۷۹۵  
 ۱۷۹۶  
 ۱۷۹۷  
 ۱۷۹۸  
 ۱۷۹۹  
 ۱۸۰۰

مهم شادی

[illegible]





卷之五  
 詩集  
 七言古詩  
 一  
 二  
 三  
 四  
 五  
 六  
 七  
 八  
 九  
 十  
 十一  
 十二  
 十三  
 十四  
 十五  
 十六  
 十七  
 十八  
 十九  
 二十  
 二十一  
 二十二  
 二十三  
 二十四  
 二十五  
 二十六  
 二十七  
 二十八  
 二十九  
 三十  
 三十一  
 三十二  
 三十三  
 三十四  
 三十五  
 三十六  
 三十七  
 三十八  
 三十九  
 四十  
 四十一  
 四十二  
 四十三  
 四十四  
 四十五  
 四十六  
 四十七  
 四十八  
 四十九  
 五十  
 五十一  
 五十二  
 五十三  
 五十四  
 五十五  
 五十六  
 五十七  
 五十八  
 五十九  
 六十  
 六十一  
 六十二  
 六十三  
 六十四  
 六十五  
 六十六  
 六十七  
 六十八  
 六十九  
 七十  
 七十一  
 七十二  
 七十三  
 七十四  
 七十五  
 七十六  
 七十七  
 七十八  
 七十九  
 八十  
 八十一  
 八十二  
 八十三  
 八十四  
 八十五  
 八十六  
 八十七  
 八十八  
 八十九  
 九十  
 九十一  
 九十二  
 九十三  
 九十四  
 九十五  
 九十六  
 九十七  
 九十八  
 九十九  
 一百

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰



ایفرزند که از هر یک شک دارد خواهی از خود بر طرف کن و میخوان کردن و دلگشاد و برادر  
 نداشتن بعد از هر یک با سید ارشدن بعد از خواب از خود بر طرف کن و میخوان کردن  
 پس چشم درین حالت بگردانید که جان خود در دست دیگر گویید و خود را در حرکت  
 و سید بر سر تپه مشوشت شدن بعد از هر یک است ایفرزند بر حیوانی مشوخت خود را دوست سید  
 و فرزند که بگوید که در شمع خید او دیکه و احسن خود را که سید طالبان باشد بنیاد  
 مکن و همچنان که کرک را با کوه سفید دوستی نیست بدکاران و بیکاران را نیز با هم دوستی  
 نیست و هر که در می بس بد داخل میشود و بد نیستی نمیکند تحت رده میهن چنانکه هر یک  
 و یک میکند زلفت با دوست سید و هر که می داند دوست میدارد دشنام دارد و میگوید  
 و هر دینست که حضرت زینب بسیار شریف است پس غلام او گفت که با مردم همیشه یکی  
 بیشتر خود می یافت از من که شما برون معین بر نظارت و بسیار نظر را من بر حضرت  
 ایفرزند در وقت از تو چهار سوال خواهد کرد از جوانی که در پی میر گشته کردی از  
 عمر تو که در پی میر حرف کرد و از مال تو که در پی کسب کرد و در پی معرفت خودی  
 پس میباید جواب اینها باش و اندوهمان متو را آنچه از دنیای تو فوت میشود که غفلت  
 ایفرزند

ایفرزند موعظه و سید بر چرخان دشوار است چنانچه بلند برالارفتی بر پیرن و دشواریست  
 ایفرزند رحم کن بر کسیکه را دوستی کنی بلکه بر خود رحم کن که ضرر آن ظلم بر خود میری و چنین  
 قدرت ترا دوستی برستم کردن بمردم قدرت خدا را بر خود بیاد آور ایفرزند آنچه نمیدانی  
 از علم پاک و کبر و انچه را دانستی بر مردم پاک و ایفرزند بریت فی بهرست اند که مال جسم غم  
 و غلام و غرضش ایفرزند صافی نیستشینان غریب دنیا خوردند بگویند محتاج است  
 یافت پسینان ایفرزند دنیا را زنده ان خود کردن تا آخرت بهشت تو کرد و ایفرزند  
 شهادتی بهتر است از صاحب بد و صاحب بگو بهتر است از تنهایی ایفرزند که بندگان  
 خدا کرد که خدا او را یار نکرد و کی خدا را طلب کرد که او را نیافت و که خدا را یاد کرد  
 که خدا او را یار نکرد و کی بخدا او فکر کرد که خدا او را بد یار نکرد و کی تضرع کرد  
 خدا کرد که خدا او را رحم نکرد ایفرزند زینهار با فاسقان معاشرت مکن که ایشان  
 بر تو زحمت میکنند اگر نزد تو چیز میبایند بخورند و الا ترا زحمت و رسوا میکنند  
 و محبت ایشان پیش از یک عفت نیست و زو فی بخش ایشان که ترا خوار دارند  
 و بسیار شیرین میباش که ترا بخورند و تلخ میباش که ترا دور افکنند خیر الله و اسعلا













۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]









۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

The image shows a manuscript page with a large, stylized initial 'D' in the top left corner. The rest of the page is filled with dense, handwritten text in a cursive script, likely from a historical document or letter. The text is written in a dark ink on a light-colored, aged paper.





بفرستادن از استخوان کج به پوست لاخوابه را در است کف می کنند زینهار از  
 خود را با آنها بر از کف که عاقبت بخیر نباشد و زود افت سر را می کنند و عود با آن  
 منشر می کنند و منشر کشا طبعی و لاسی و منشر نفس الدماره یا قاضی و منجر الکلی  
 در منجر بیدان و کاه باشد که زانجه دشمنان بیشتر نفس را به دست زده و بیکه است بیشتر  
 خوانده از غیر و صله است و غلبه که دانه جو شیر باشد و در کشته شود و بوس با و که مرغان  
 خوشتر بخامد که در بطن فرود است کشته باشد که از لطف تو باینده این در شوم بدیه  
 که بوسه از این دست است و او را این چرت است کم میاخذ زانی و باد و تمام می بین  
 و مجادله زانی و بلجم امر و نهیش محکم دارد و در چراگاه آید و بی بند و بار می کشد و در  
 بطایع و طبیعت موطن است و بوس از سرش بر در کف و بسیر خیزد که اگر کشته شود  
 در دشت قلع و آغ و بهفات کالش منور و زبان کردانی و انجمن صحن است و بکشتن  
 رسی و در مرز او طره جو نیست که زشته برشته و حیوان که کند میرانند و کج که در این  
 و رکنه میدان منجر بر زبان و باید که مرصع و شام نفس را می طلب باشد بدین نحو  
 تنبیه نامی باشد که در رفته رفته در سواب که از سر بر می آید و اینست که در عود و شیر

و در آن می کنند ماکا از سر نادر است و حق زلفه السنه که زاده پیش منته در دست غروب یکی  
 این محمد و او را تو خواهد بود پس می گوید شاکستنی و صدمه است و در زانی با کله جبر و استن با  
 پغیضی نامی و در باشند که مرگ را و قهر و موس در سولی و پیغمبر می باشد و جوفه و پیر منظر  
 نیده او که کاه فی اذن و خبر از و در یک و مر انکلیف صلت نایم پس از خبر و غصت را  
 غنیت شمار و از بهر آب است بر استعداد این غرض غرض نگار و کله جوانی به پیر می شناسد و زود  
 در هر سه و پیش از در مهتاب ساز از و در محبت بار و در کله کاین مر و در است به طبع  
 و کله کفی که کفم تو به پس از پیر به از مرکب و نماند کف است خرد و کیم که زانم لطف و در کف  
 به پیر رسد تا جان سپرد که کاه و در کله که در بار کوهی بر کب و داماده و حلیش و رفیع می بدد  
 فایده از کشته و کفم عدد و عدد در انور فایده می بدد و در جات هالیه است بر سر نه و کله  
 که انور و کف است که کاه و در کف و فایده پس و فایده است که در نوبه و طاعت بر و در کاه  
 فایده پیرانه و در و در از انور و فایده شمار و در کله که کاه و فایده و در کله و فایده  
 روز و بیکه که کف لذت و راحت و در ان و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده  
 و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده  
 و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده و در کله که کاه و فایده







[illegible][illegible]

سرکار  
جناب  
عزیز  
وہ  
کے  
میں  
میں

[illegible]

卷之四





الحمد لله

۱۴۴۴

المجلد الثاني

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱















Handwritten marginal notes at the top of the right page, likely in a different script or dialect.

Main body of handwritten text on the right page, written in a cursive script.

Handwritten marginal notes at the bottom of the right page.

Main body of handwritten text on the left page, continuing the script from the right page.

Handwritten marginal notes at the bottom of the left page.

Extensive handwritten marginal notes on the left side of the left page, written vertically.